روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سه‌شنبه۱۲ مرداد ۱۴۰۰_۲۳ ذیحجه ۱۴۴۲_ ۳ آگوست ۲۰۲۱

سال ششم _ شماره ۱۷۴۵ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

روایت رئیس‌جمهور از اسنادی که به ترامپ ارائه شد

مهر تایید روحانی بر نفوذ امنیتی

۲

حسین محجوبی در گفت‌وگو با همدلی مطرح کرد

دغدغه‌های زیست‌محیطی یک نقاش

۷

روایت تازه از یک دیدار قدیمی

میان هاشمی و رهبر انقلاب درباره مذاکره با آمریکا چه گذشت؟

۱

تشریح دشواری‌های ۸ ساله از زبان دولتمردان

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارید

۲

بررسی عملکرد مقابله با کووید۱۹ در روزهای پایانی دولت

۴۱۱ کشته، قبل از اوج پیک پنجم کرونا

همدلی| هجده ماه از شـــیوع کرونا گذشته است. امروز در نقشه ایران هیچ شهری به‌رنگ آبی به‌معنـــای وضعیت عاری از ویروس کرونا وجود ندارد، برعکس همه شـــهرها یکپارچه قرمز شده‌اند.

۴

هرات در لبه سقوط

۳

افزایش تا ۱۲۸درصدی قیمت اقلام خوراکی

«قزل اوزون» در انتظار مرگ تدریجی

۴

ادامه فضاسازی صهیونیستی علیه ایران

۳

ناهمدلی

۸ عددها به ما هیچ نمی‌گویند

گوناگون

۸ درگذشت شاعر سرود «خلبانان، ملوانان»
۷ ایتالیا برنده مهم‌ترین طلای المپیک
۸ جنبش عدالتخواهانه مزدکیان چگونه سرکوب شد
۸ حمله به افغانستان؛ علت تحریم المپیک ۱۹۸۰
۸ خیابان ولیعصر یک گام تا ثبت جهانی

یادداشت

بیش از این مردم را عصبانی نکنید

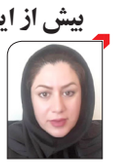

ستاره لطفی

روزنامه‌نگار

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ملتی عصبانی هستیم، شاید هم ملتی عصبانی شدیم. حال، صفت عصبانیت ایرانیان هر فعلی بگیرد نافی وجود آن در بین ایرانیان امروزی نیست و فعل حال یا گذشته از تبعات منفی آن کم نمی‌کند.

شـــیوه اداره در کشور به‌ویژه در چند سال اخیر به گونه‌ای بوده که خروجی آن خواسته یا ناخواسته به عصبانیت و خشم مردم دامن زده است، اعتراض‌های چند ســـال اخیر مانند دی ۹۶، آبـــان ۹۸ و همین اعتراض‌های اخیر که از خوزســـتان شروع شد و به برخی از شهرها نیز تسری پیدا کرد، نتیجه بی‌تدبیری و تصمیمات نادرست مسئولان بوده که به عصبانیت و اعتراض مردم منجر شـــده است. بدیهی است اگر روند عصبانی کردن ملت از سوی مسئولان با همین سرعت پیش برود، این خشم و عصبانیت روزی دهان باز می‌کند و مشـــکلات حاد امنیتی را ایجاد خواهد کرد. همچنان که بارها ایجاد کرده است.

صرف نظر از مشکلات سال‌های دور و حتی چند ماه گذشته، اگر فقط رویکرد مسئولان در دو هفته اخیر را بررسی کنیم، اقدامات، طرح‌ها، موضع‌گیری‌ها و اظهاراتـــی را می‌بینیم که به غیر از عصبانی کردن مردم و خلق مشکلات جدید کارکرد دیگری ندارد.

اگر از مشکلات حاد اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، عدم کنترل ویروس کرونا و مشکلات بی‌شمار در حوزه واکسیناســـیون عمومی ایـــن ویروس -که هـــر یک به تنهایی می‌تواند یک کشـــور و ملتش را به نابودی بکشـــاند- صرف نظر کنیم؛ تصویب طرح ناقص، جنجالی و انتقادبرانگیز به اصطلاح «صیانت از کاربران فضای مجازی» از سوی نمایندگان مدعی انقلابی‌گری در مجلس، نمونه‌ای از اقداماتی است که ایرانیان را به‌شدت عصبانی کرده و نه فقط صدا، بلکه داد بیشتر آنان را درآورده است.

اما با این حال نه تنها مجلس تاکنون از طرح خود عقب‌نشینی نکرده، بلکه بسیاری از مجلسیان با اظهار نظرهای نسنجیده، سطحی، غیرکارشناسی و حتی گاه مضحک و خنده‌دار بر توجیه آن می‌کوشـــند و بر اجرای آن اصرار می‌ورزند.نشـــنیدن صدای مردم در طرح مذکور فقط هنر مجلسیان نیست، برخی از مســـئولان حتی به مردم معترض به این طرح، انگ «منافق» می‌زنند و آنان را مشتی منافق کامنت‌گذار می‌نامند. مســـئولانی که گوشـــی برای شـــنیدن خواسته‌های مردم نداشته باشند و به اعتراضات مردم برچسب اغتشاش و به منتقدان انگ منافق، بزنند، در تنور عصبانیت و خشـــم ملت می‌دمند. خشمی که «گر» گرفته است و هر آن ممکن است شعله بکشد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

کیمیای درون

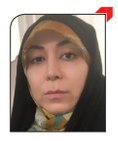

شکیبا دارابی

دانش‌آموخته سیاست

«مدالم را به شـــهید ۱۸ ســـاله‌ی گمنامی که در محوطه‌ی فدراسیون تکواندو آرام گرفته است، هدیه می‌دهـــم. همچنین ایـــن مدال را به دیگـــر نام‌آوران بی‌نشـــان میهن عزیزم که برای سربلندی این مرز و بوم از جان خود گذشـــتند تا ایران امروز خانه‌ی امن ما باشد، تقدیم می‌کنم.». «من یکی از میلیون‌ها زن سرکوب شده در ایرانم که سال‌هاست هر طور خواستند بازی‌ام دادند. هر کجا خواستند بردند. هر چه گفتند پوشیدم. هر جمله‌ای دستور دادند تکرار کردم. هر زمان صلاح دیدند، مصادره‌ام کردند. مدال‌هایم را پای حجاب اجباری گذاشتند و به مدیریت و درایت خودشان نسبت دادند.». بعد از آرام شدن هیاهوی ماجرای تکواندوی دخترانمـــان در توکیو، من امـــروز می‌خواهم از چیز دیگری بنویسم. چیزی غیر از معیارهای وطن‌فروشی، غیر از نقد و دفاع از حقوق انسان‌ها، نمی‌خواهم مرثیه بخوانم از استعدادهایی که می‌توانستیم با کمی تساهل، شرایط ماندن‌شان را مهیا کنیم. این سخنان و تحلیل‌ها را این روزهـــا زیاد خوانده و شـــنیده‌ایم. برگردیم به خطوط اول این یادداشـــت. گوینده هر دو بخش یک دختر اســـت، اولی را کیمیای هجده ساله گفته است و دومی را همان کیمیا در بیست‌وسه سالگی. به نظر شـــما چه عاملی باعث این چرخش در عقیده شـــده اســـت. به نظر من در دو حالـــت هم این دختر تحت تاثیر یک ویژگی مذموم اخلاقی بوده‌اســـت؛ ریاکاری. چه می‌شود که یک ورزش‌کار با سن کم یاد می‌گیرد برای مقبول بودن نیاز دارد که از خود شکل دیگری به نمایش بگذارد. تقدیم مدال‌هایش به شهید گمنام و در جایی دیگر به شهدای مدافع حرم را همگی شاهدش بودیم، شاید بگویید دارم به اشتباه نیت‌خوانی می‌کنم و قضاوتش می‌کنم، جواب را خودش سه سال بعد آنجا که می‌گوید: «هر جمله‌ای دستور دادند، تکرار کردم»، می‌دهد. اما من این دختر را در بیست‌وسه سالگی هم در حال اجرای نمایش می‌بینم، نمایشـــی برای اخذ شهروندی از کشوری و مرحله بعد راه‌یابی به المپیک به عنوان شهروند آن کشور. انگار این صفت در دختر ما نهادینه شده است و هر جا نیاز دارد به آن متوسل می‌شـــود. در صورت طبیعـــی‌اش از دختر هجده و یا بیست و سه ساله توقع است که پر از شور جوانی باشد، پر از اشتیاق زندگی. چه اتفاقی رخ داد که او آلوده شد به این ویژگی اخلاقی؟ به راستی ما اگر جای او بودیم چه می‌کردیم؟ در روزگاری که زندگی در وطن برای همه ما سخت‌تر شده‌است و خیلی از ما حتی شده برای لحظاتی کوتاه به رفتن فکر کرده‌ایم، کار او خیلی هم غیر منطقی نیست. در تقدیم مدال‌هایش هم با عقل معاش اگر فکر کنیم، کار درستی کرده است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

الگویی عملی برای سیاست‌ورزی

ایمان محمدپورفتح

فعال سیاسی

در ایـــن چنـــد روز که از کوچ ناگهانـــی و ناباورانه اســـتاد علی خواجوی می‌گذرد، در وصف او قلم‌های زیادی به حرکت درآمد و برخی از ویژگی‌های ایشان به رشـــته تحریر درآمد.از چپ چپ گرفته تا راستِ راست، قلم به دســـت گرفتندَ و از خصوصیات نیکَ ایشان گفتند و نوشتند.هر چند ممکن است بعضی از دوســـتان خیرخواه، این کار را قدیس‌سازی بدانند و منتقد نپرداختن به نیمه خالی لیوان باشند، اما اگر کنکاشی در زندگی زنده‌یاد خواجوی داشته باشیم، متوجه می‌شویم جز انتقاداتی که به عملکرد ایشان و دیگر دوســـتان در دهه شصت وارد است (که البته اکثر انتقاداتی که دوستان در تماس‌ها طرح می‌کردند، به همین موضوع و عملکرد ایشـــان در آن روزهای پرالتهاب اوایل انقلاب برمی‌گشـــت) کمتر می‌توان نقدی به عملکرد ایشان در فعالیت‌های اجتماعی یا سیاسی وارد کرد. از آنجایی که هر پدیده‌ای معمولا با توجه به بازه زمانی و شرایط محیطی وقوع خودش سنجیده شده و مورد قضاوت قرار می‌گیرد، عملکرد آن روزهای ایشان هم باید بر اساس فضای انقلابی و بگیر و ببندهای همان روزها، بررسی شود،که اگر این کار صورت بگیرد، بهتر می‌توان به قضاوت نشست.

با نگاهی گذرا به زندگی استاد خواجوی، درمی‌یابیم که ایشـــان به حقوق و تکالیف مدنی خود آگاه بود و نهایت تلاشـــش را به کار می‌گرفت تا به مسئولیت اجتماعی خود در قبـــال جامعه عمل کند و حقوق جامعه را به هر طریق ممکن از حاکمان مطالبه کند. مهربـــان و آرام بود، خوب گوش می‌کرد و بعد از فکر کردن، لب به سخن می‌گشود و هیچ عجله‌ای برای سخن گفتن نداشت. از نیاز به نمایش، عبور کرده بود، در سخن گفتن اظهار فضل نمی‌کرد. علی‌رغم این‌که انسان مومن و خداترسی بود، اما نه تنها در این زمینه هم اهل تزویر و ریاکاری نبود و ادعای دینداری نداشت، بلکه با تندروی‌ها، ریاکاری‌ها و سخت‌گیری‌ها در امور دینی مخالف بود.به تفکر جمعی و مشـــورت اعتقاد داشت، تقســـیم کار را می‌فهمید و کاملاً باور داشت که عقل کل نیست و علی‌رغم این که اصول مدیریت را بلد بود، اما سعی می‌کرد در جلسات تشکیلاتی به جای ریاســـت، رهبری کند و با دوراندیشی، تفکر و تعقل، از افتادن جوانان اطرافش به چاه ویل احساس و سطحی‌نگری، جلوگیری کند. هیچ گاه تحت تاثیر جو قرار نمی‌گرفت و روحیه پایداری و نگاه کارشناسی همراه با دوراندیشی داشت و به همین دلیل در گرداب تبلیغات سوء قرار نمی‌گرفت و هر نگرشی را در قالب عقل، تجربه و مشورت، تجزیه و تحلیل می‌کرد و بعد با کمک خرد جمعی تصمیم می‌گرفت.

ادامه در صفحه ۵

میان هاشمی و رهبر انقلاب چه گذشت؟

روایت تازه از یک دیدار قدیمی

همدلی| چند سال پیش و در بحبوحه داغ بودن موضوع رابطه و مذاکره با آمریکا سخنانی از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منتشر شد که نشان می‌داد رهبر انقلاب مخالفت قاطع خودش برای رابطه با آمریکا را در جلسه‌ای با رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد. مخالفتی که در حکم اتمام حجت با دولتمردان نیز بوده اســـت.اما روز گذشته بخشی از یک فایل تصویری از سوی «دفتر حفظ ونشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای» منتشر شد که سران نظام را در کنار رهبر انقلاب نشان می‌دهد که رهبر انقلاب درباره آن جلسه توضیحاتی می‌دهند.روایت اول که در کتاب «زندگی و زمانه اکبر هاشمی رفسنجانی»، نوشته جعفر شیرعلی‌نیا، آمده است، به زمان دولت سازندگی مربوط می‌شود. هاشمی می‌گوید: «آقای روحانی، مشاور من و دبیر شورای عالی امنیت ملی بود. نظر او هم مثل من است که ما باید مسئله‌مان را با آمریکا حل کنیم. آقای روحانی برای منافع و ضررهای این کار دو ستون درست کرده بود. من بر آن اساس و نظر، و ضمن این که خودم هم نظراتی داشتم و اضافه کردم، رفتم و با آقا صحبت کردم. خیلی بحث کردیم. یکی — دو ساعت بحث کردیم و به نتیجه نرسیدیم. معمولاً وقتی با ایشان اختلاف داشته باشم، نهایتاً نظر ایشان را برای خودم حجت می‌دانم. چون ایشان رهبر هستند و حق اظهار نظر قاطع دارند. همین الان هم همین‌طور است. من گفتم نمی‌توانم حرف دیگری به شما بزنم و فقط مسئلهٔ ما و خداست. بالأخره در روز قیامت از من و شما می‌پرسند چرا این همه ضرر و مشکلات برای نظام و مسلمانان ایجاد شد. اگر این‌ها را بر عهده می‌گیرید، من دیگر حرفی ندارم. ایشان گفتند: بله، جواب خدا با من باشد».اگرچه که اسناد صوتی وتصویری از این جلسه منتشر نشده است و تاکنون تنها روایت هاشمی از آن جلسه موجود بود، اما روز گذشته ابتدا «مهدی فضایلی» عضو دفتر مقام معظم رهبری، با نوشتن مطلبی در حساب کاربری‌اش در توئیتر، نوشت:«با توجه به سخنان اخیر رهبر انقلاب درباره تجربه اعتماد به غرب در دولت دوازدهم، کلیپی منتشر خواهد شد که حاوی بیانات مهم و تاریخی منتشر نشده‌ای از معظم‌له در گفت‌وگو با مرحوم هاشمی رفسنجانی است.»

کمی بعد کلیپی با عنوان «عبرت آیندگان» بر روی خروجی سایت «https://farsi.khamenei.ir» قرار گرفت که جلسه گفته شده از سوی هاشمی رفسنجانی را تایید می‌کرد. بر اساس آنچه در کلیپ منتشرشده آمده است بخشی از سخنان ایشان در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در فروردین سال ۹۱ است.رهبر انقلاب در بخشی از این دیدار با اشاره به موضوع مذاکره با آمریکا می‌گویند: «من استدلال‌هایی دارم برای رد این نظر، با خود ایشان [هاشمی رفسنجانی] در جلسات متعددی صحبت کردم، صدای آقای هاشمی ضبط است در شورای‌عالی امنیت ملی که گفتند فلانی در این زمینه استدلال‌هایی دارد که ما جواب آن استدلال‌ها را نداریم». در بخش دیگری از این دیدار که برای نخستین بار منتشر شده است، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خطاب به رهبری انقلاب می‌گوید: «آقای روحانی یک چیزی تهیه کردند که دو ســـتون داشـــت که منافع و ضررهای [مذاکره و رابطه با آمریکا] در آن بود...»رهبر انقلاب با قطع ســـخنان رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت یادآور می‌شوند که «ضررها داخلش نبود، فقط منافع بود. آنکه آقای روحانی [تهیه کرده بود] در یک ستونی ده تا پانزده مورد منافع را ذکر کردند، شما خودتان هم چند تا اضافه کرده بودید به خط شریف خودتان». هاشمی پاسخ می‌دهد: «یک بخش کوچک هم ضررها بود...». کلیپ منتشر شده در همین حد باقی مانده و از ادامه سخنان طرفین در آن خبری نیست.انصاف نیوز در این باره نوشته است:«سخنان رهبری در این جلسه در مخالفت با مذاکره و ارتباط با آمریکا که بخشی از آن برای نخستین بار منتشر شده است چند ماه پس از صدور مجوز مذاکره‌ی مستقیم با آمریکا از سوی ایشان مطرح شده بود.» علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه وقت در آذر ۹۴ در گفت‌وگویی با ماهنامه دیپلمات می‌گوید: «در اواســـط سال ۹۰ پس از دریافت نامه‌ی سلطان قابوس وقت ملاقات خصوصی از حضرت آقا گرفتم. ایشان در این دیدار به بدعهدی‌ها و عداوت‌های آمریکا با ایران اشاره کردند. خدمت مقام معظم رهبری گفتم از باب اتمام حجت اجازه‌ی مذاکره با آمریکا را صادر بفرمایید؛ مقام معظم رهبری هم بزرگواری کردند و فرمودند با مذاکرات مخالفتی ندارم». به نوشته این سایت چند ماه پس از این سخنان تازه منتشرشده رهبر انقلاب درباره اســـتدلال‌هایی که در رد نظراتی مبنی بر مذاکره با آمریکا مطرح کرده‌اند، مجوز مذاکره مستقیم با آمریکا به مرحله اجرا می‌رسد. صالحی در ادامه مصاحبه‌اش در این باره می‌گوید: «ما پس از ۵ ماه از مجوز مقام معظم رهبری [برای مذاکره مستقیم با آمریکا] به عمان رفتیم».در تازه‌ترین موضع‌گیری رهبر انقـــلاب در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت دوازدهم تجربه دولت دکتر روحانی در اعتماد به غرب را برای آیندگان عبرت‌آموز خوانده و تأکید کردند «در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد». رهبر انقلاب گره زدن حل مشکلات کشور به همراهی غربی‌ها را نیز اقدامی اشتباه از سوی دولتمردان دانسته و متذکر شدند که «مطلقاً نبایستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب موکول کرد و منوط کرد، چون قطعاً شکست می‌خورَد، قطعاً ضربه می‌خورَد. شماها هم هر جایی که کارهایتان را منوط کردید به همراهی غرب، ناموّفق ماندید؛ هر جایی که بدون اعتماد به غرب، خودتان قد عَلَم کردید و حرکت کردید موفّق شدید.»

سرمقاله

۲۴میلیونی که حیف شد

عادل جهان‌آرای

روزنامه‌نگار

حسن روحانی به پایان دوران ریاست جمهوری‌اش رسید؛ پایانی که شاید برای او خیلی زود گذشت، اما برای مـــردم و تاریخ ایران چندان زود نبود؛ خصوصا دور دوم حضور او در پاستور یا دولت دوازدهم، عملا روزهای ســـختی برای مردم و کشور رقم خورد که اگرچه بسیاری از آنها را دیگران نوشتند، ولی به نام او نوشته شد. بی‌تردید مهم‌ترین علتی که این روزهای تلخ به نام او نوشـــته شـــده، این اســـت که خودش می‌خواست و این وضعیت را انتخاب کرده بود که در ادامه دلایل آن خواهد آمد. محمود احمدی‌نژاد بعد از پایان دولت دهم، عملا خرابه‌ای را به روحانی تحویل داد و کشـــور را که ذیل اصل هفتم منشور سازمان ملل برد و علاوه بر عـــدم تعامل با جامعه جهانی و به دلیل رجزخوانی‌های مداومش و کاغذپاره خواندن قطعنامه‌ها، حتی کشورهای به اصطلاح دوستی مثل چین و روسیه را وادار کرد که قطعنامه‌های ضدایرانی را امضا کننـــد و ده‌ها چالش درونـــی و بیرونی؛ اما واقعیت این است که این وضعیت در دولت یازدهم بهبود یافت. حسن روحانی خوش‌شانس‌ترین و در عین حال بدشـــانس‌ترین رئیس جمهوری اسلامی بود. خوش‌شـــانس بود که توانست دولت یازدهم را براســـاس ایجاد تعامل بیشتر با جامعه بین‌المللی و همراهی با نظم موجود جهانی، و به سرانجام رساندن برجام، به صورتی موفق به دولت دوازدهم پیوند بزند. دولت یازدهم توانست با رویکرد تازه به جهان بیرون، تا اندازه‌ای کشـــور را از آن التهاب و تشویش بیرون آورد. ضمن آنکه به صورتی دستوری جلوی افزایش قیمت‌ها و تورم را گرفت و از کاهش ارزش پول ملی ایران جلوگیری کرد. اما رئیس دولت یازدهم با رئیس دولـــت دوازدهم، هم از لحـــاظ ماهیت و هم از نظر کارکرد، متفاوت بودند. رئیس دولت یازدهم ســـعی کرد جلوی بسیاری از ممانعت‌ها یا مشکل‌سازی‌های دولتمردان در سایه بایســـتد، به صورتی که رفقای سنتی دیروز او کاملا به دشمن جدی امروزش تبدیل شدند. روحانی دولت یازدهم هر چه فاصله خود را با دلواپسان بیشتر کرده بود، -خصوصا با شعارهایش- به همان نســـبت در اداره دولت و منویات و برنامه‌های خود موفق‌تر بود. همین عامل باعث شد که در سال ۹۶ با آرای شگفت‌انگیز ۲۴میلیونی دوباره بر صندلی پاستور تکیه بزند. روحانی در دور دوم سخنرانی‌های انتخاباتی‌اش از مردم خواسته بود که به او رأی بدهند تا بتواند قدرت بیشتری داشته باشد. یا جمله معروف او کـــه گفته بود:«باید بیـــن دو راه قله، دره، یکی را انتخاب کنیم» مردم امید داشـــتند که با آرای خود به روحانی، حتما به قله خواهند رســـید. آن قدرتی که باید از ۲۴ میلیون رأی گرفته می‌شـــد، در یک چشم‌برهم زدن، بعد از چند مدت، به یک‌باره از دست رفـــت و نه تنها از قله خبری نبود که امید مردم هر روز بیش از پیش به قهقرا رفت. روحانی با فشارهای مضاعفی از سوی دلواپسان و کاسبان تحریم در درون و مخالفان بین‌المللی برجام در بیرون روبه‌رو شـــد، که اتفاقا همه آن فشـــارها به بار نشست و مهم‌ترین دســـتاورد دولتش را به موجود نیمه‌جانی بدل کرد که هر روز فقط برایش دعا می‌کرد تا شـــاید دوباره جان بگیرد. از اینجا به بعد روحانی وارد مسیر دیگری شد، او که تا دیروز با دلواپسان فاصله گرفته بود، عملا گام در راهی گذاشت که دلواپسان می‌خواستند. نوع ادبیات او هم تغییر کرده بود، شـــکل مواجهه‌اش با جامعه جهانی بسان رجزخوانی‌های احمدی‌نژاد شده بود، بیش از آنکه راهکاری بایســـته و درست داشته باشـــد، دل به تهدیدهایی سپرده بود که شباهتی با رئیس دولت یازدهم نداشـــت و بیشـــتر باب طبع دلواپســـان بود.آن ۲۴میلیون آرایی که به صندوق او ریخته شـــده بود تا باعث قدرتش شود، عملا به هیچ کاری نیامد و هر روز هم از جمع ۲۴میلیونی، یکی‌یکی و ده‌هـــا و صدها و صدها و بعد میلیون‌ها میلیون‌ها خود را از آن صف بیرون کشـــیدند، چون روحانی نمی‌خواست که زبان آنها باشد و از قدرت آنها بهره گیرد. بعد از آنکه برجام با کینه‌توزی ترامپ در بیرون و کارشکنی دلواپسان داخلی در درون شکست خورد، روزهای خوش روحانی رو به افول گذاشت و معیشت و زندگی مردم هر روز تنگ‌وتنگ‌تر شد. پول ملی یا همان ریال ایران تمام شـــأن و قدرت خود را از دست داد، به صورتی که در جهان چنین نمونه‌ای از افول قدرت پول ملی را نمی‌توان سراغ گرفت، مگر از دوستان ما مثل ونزوئلا هر روز که می‌گذشت پول ملی سقوط بیشـــتری را تجربه می‌کرد، و هنوز هم ادامه دارد. چیزی به نام ســـفره برای اقشار ضعیف و قشر متوســـط جامعه دیگر معنا نداشت و هنوز هم ندارد. اما در این بین رفتار روحانی و نوع مواجهه او با زندگی مردم بود. روحانی به گونه‌ای سخن می‌گفت که انگار هیچ مشـــکلی برای مردم وجود ندارد، انگار تورم ۴۰یا ۵۰درصدی واقعیت ندارد، انگار بیکاری و تعطیلی کارخانه‌ها دروغ دشمنان است.

ادامه در صفحه ۵